



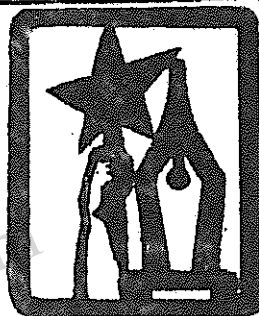
رهائی

سال سوم، شماره ۱۰۵
پنجشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

از مبارزه جاری

تا مبارزه توده‌ای



کودتاها را کنار بگذاریم، چیزی که میتواند آخرین ضربه را به پیکر نیمه جان و در حال نزوح رژیم وارد آورد، حضور و شرکت فعال توده‌ها به ویژه کارگران و سایر زحمتکشان جامعه، از صحنه نبرد است. حلقه مفلوکه و جواب معمای شکست انگیز هنوز بر سر پا ماندن رژیم محکوم به سقوط جمهوری اسلامی، طبقه تمام شرایط عینی و ذهنی در همین مردم حضور و شرکت فعال توده‌ها در صحنه مبارزه و نبرد نهایی برای سرنگونی رژیم نهفته است. چرا توده‌ها با وجود نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی، در مبارزه‌ی وسیع طبقه رژیم شرکت نمی‌کنند؟

بقیه در صفحه ۳

ماممی ایران آستان تحولی جدید است. صف آرایی جدیدی با نه چندان غیرمترقبی سازمانهای سیاسی و حاکمیت در مقابل یکدیگر، خبر از آغاز بهترین شرایط تعیین کننده ترین نبرد سیاسی جامعه بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی را میدهد. حاکمیت ارتجاعی و فئودالی پستالی جمهوری اسلامی با تخاصم توان فریب خود بر آنست که از مرگ محتوم خود جلوگیری کند. حکومت آلمی، ضمن پرورش خونین و وحشیانه به نیروهای ضرتی و انقلابی، تمام امکانات زمینی - شهری و غیر شهری، داخلی و بین‌المللی - خود را به خدمت گرفته است تا مانع سقوط ناپسندگان خود بر روی زمین شود. اما رفق شعار دو سال و نیم حوادث تاریخی، عسارت محکوم را رقم زده است. مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نه جاده‌ی صاف و ببردست - انداز تشبیت رژیم با حتی رهائی از مرگ حتی بلکه سرانجام مرگ بار سقوط را نشان میدهد. سرکهای خشن و اعدامهای وحشیانه، نه نشانه قدرت رژیم بلکه دلیلی ناپسندگراچ زبونی و ناتوانی و دست و پا زدنیهای نذیرانه‌ی یک فریب محکوم به مرگ است. طبقه و جبهه صمیمه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و طبقه هرگونه چشم انداز آشکار برای رژیم در حل مضامات جامعه، طبقه ناراضی شدیدی و نفرت اکثریت توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی طبقه حضور مبارزان صالح در صحنه نبرد با مزدوران رژیم و ناپیدی عمده ترین سرسبزگان آن رژیم جمهوری اسلامی هر چند سراسیمه و در حال تلاشی و درمانده، ولی همچنان بر پاست. اگر انواع کودتاها و شبه

دو صفحه دیگر:

- * از افاضات پیشین ارتجاع
- * جمهوری اسلامی مالگرد جنگ جنایتکارانه را جشن میگردد
- * ایران و مطبوعات جهان
- * اخبار

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

از مبارزه...

بنظر میرسد که یکی از دلایل عصبی آن وجود جو سرکوب و پستیایه ی رژیم باشد. و تکیه رژیم جبهه سوری اسلامی بر همدان عادی در حوالی ساطق درگیری را بعنوان "ترک کنندگان در تظاهرات صلحانه" بدون کشتن متعلق و بدون صلاکه بسویخه های اقدام میسازد و یا بنا به فتوای رهبران رژیم در عمل اقدام میکند. بی آنست که مردم میگویند حق هر چه میسر از ماضی درگیری نباشد. رژیم جمهوری اسلامی بر سر یک دو راهی قرار گرفته است که همراه آن بصرک فتوی می شود: سرکوبها و اقدامهای بنظر هیچ مصلحتی از مشکلات ماضی رژیم را حل نکرده و عزم رزمندگان انقلابی را به صفتی نکشاند و سرنگونی رژیم را هم بنام در دستور روز نیروهای انقلابی قرار ندادند. از طرف دیگر جمهوری اسلامی بخواهی میداند که کترین عقب نشینی و سرعت سرنگونی رژیم را نتایج سرسام آور خواهد بخشید. هر یک از این دو راه، پندارند که بیرون راه سرکوب و ترو و اقدام و کشتارهای پستیایه ممکن است رسیدن به پایان این راه و ایمن سرنگونی دستور را ظلمتی تر کند و در این فاصله شاید مجرمهای رخ دهد.

جو ترو و سخت و انجام سرکوبهای خشن و اقدامات و کشتارها به تنهایی (یعنی بدون ارائه هیچ چشم انداز بوده حاصل رزمینهای دیگر از جمله رفاه نسبی مادی) در صورت تداوم نه تنها کار خود را از دست میدهد بلکه شدیداً به عکس خود بدل میشود. با این همه تردیدی وجود ندارد که در لحظه کوشش (نه در آ آینده کم و بیش نزدیک)، این جو ترو و سخت و این سرکوبهای خشن و اقدامات کشتارهای بی دردی و جان از بهترین عوامل باز دارنده ی توده ها در شرکت و حضور در مبارزه و نبود رویاروی با رژیم بنظر می رسد. ولی خطاست که این عامل را، بعنوان تنها عامل بازدارنده توده ها از شرکت در مبارزه، حتی در لحظه کوشش تلقی کنیم بلکه در کنار آن عوامل بسیار دیگری وجود دارد که توده ها بویژه کارگران و سایر زحمتکشان را از کشاندن شدن به صحنه ی مبارزه باز میدارند و یا حداقل آنان را به تامل و معطلی از حیثی این عوامل میتوان عوامل زیرا را ذکر کرد: عدم اعتماد توده ها به سازمانهای سیاسی (چه دموکرات

و چه کونیستی) عدم پیوند این سازمانها با زحمتکشان و شعری برخورد آنها نسبت به یکدیگر، سرخوردگی زحمتکشان از یک قیام با شکوه از فعالیتهای حماسی و از یک انقلاب بنفارت برده شده، ناروشنی ها و ابهامات موجود بر نامه های مختلف ترین بدیل موجود (مجاهدین، بنی صدر) و عدم اعتماد به وعده ها و وعظت از خلاصی از چاله و افتادن به چاه و خلاصه عدم اعتماد زحمتکشان به روند یک تغییر اساسی در جامعه. سازمانهای سیاسی زمانی قادر خواهند گردید که در روند تغییر مبارزه ی فعلی به پیک مبارزه توده ای مؤثر باشند که بتوانند موانع ذهنی موجود بر سر توده کسان مبارزات را بر طرف سازند.

آنچه ما بعنوان یکی از بهترین عوامل باز دارنده ی شرکت توده ها در لحظه کوشش نام میبریم یعنی وجود جو اخلاقی و ترو و سرکوبهای صلحانه و اقدامات و کشتارهای هر روز، چیزی است که توده ها در زندگی روزمره خود آنچنان بوضوح لمس میکنند و احساس

چنین آمیزان چنان جنگگیر است که نیازی به توضیح ندارد. و در نتیجه عوامل اشاره شده در فوق و چند عامل دیگر که از موانع توده ای شدن مبارزه بنظر میروند به اختصار میبریم:

سازمانهای سیاسی، چه کونیستی و چه دموکرات در ظرف نزدیک به سه سال نتوانستند اعتماد توده ها را به خود جلب کنند. این سازمانها که هیچ گاه نتوانستند (و امروز نیز هنوز نتوانند) چه میخواستند و همواره از قاعه عقب بوده و در پشت سر توده ها و جریانات حرکت میکردند، طبیعی است که توده ها امروز احساس خواستهای خود را در آنها نیابند و بوجه های آنها اعتماد نداشته باشند. چپ ایران که قبل از قیام، شعارهای " استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، سکوت هر سلطان، خیانت است بقرآن و غیره را" کم و بیش تکرار میکرد، در دوران قیام هیبت متضاد و صتف خود را در آذهان از بین برده بود و بعد از قیام نیز علیرغم شرایط مناسب و خوش کنی جنگگیر، کیفیت قابل توبه و توانایی بهتری را ارائه نداد. فعالان خلق قبل از اینکه چند باره شوند آنقدر چندان گویی کردند که نه تنها اعضا و هواداران بلکه توده ها را نیز دچار سرگیجه کردند. از همان کارگران ایران از خیانت های حزب توده انبیاخته بود و فعالان اکثریت به تکمیل این تصویر همت گاشتنند. اقلیت نیز که تفسیر بیجا به تعداد مقاله های نشریه خود مخصص عرض کرد، کیفیت بنظر متناقض بهتر، چشم انداز روشن تر از دیگر راه کارگر ارائه نداد.

این کجی ها و سردرگمیها و مطلق زدنی آنقدر فراوان و آنقدر تکرار شد که نه تنها اعتماد کارگران به طرف خود جلب نکرد بلکه توده های بالقوه چپ به تدریج از جنبش کونیستی، از نیرویی که میتوانست بیانگر رادیکالترین و انقلابی ترین خواستهای آنان باشد، دور شدند. چپ ایران علیرغم تمام فعالیت های عملی خود و علیرغم تمامی از خود گذشتگی های اعضا و هواداران سازمانهای مختلف، نتوانست در میان توده ها و در میان کارگران ایران، که بار عظیم انقلاب اجتماعی بر سر دوش آنان سنگینی میکند، جای پیدا کند و آنی را که بدنیال زائل شدن توهم خصمی بوجود آمد نتوانست بصورت نیرویی بالفعل خود بسج کند. چپ ایران با درد سرترن بودن، مانع شده ماند.

توده های که به تنهایی عده چپ ایران را به یگانه ببینند و شاهد عدم توانایی این نیرو در بسیج و سازماندهی زحمتکشان باشند، نمیتوانند و نباید با دیده تحسین به آن بنگرند و بدستور العملها و وعده های هر لحظه متفاوت و حتی غالباً متناقض آن اعتماد کنند.

بخش عده ای دیگر اینرسی (عده ترین بخش آن در حال حاضر)، یعنی سازمان میاهدین نیز علیرغم موفقیت های جنگیری که در کوشش سازمانی خود داشته اند نیز نتوانسته اند خلاصه مرگ تدریجی سیاسی و خفیی، زنده نگه داشتن امید مردم بوجود مبارزه، به سازمانهای سیاسی و به تغییر ضامبات حاکم راز این جهت در فراهم کردن زمینه ضامبت فعالیتهای مبارز، مؤثر باشند. و بهتر از آن، امروزه در سازمانها و رده های جنبه ماضی اشهر و روشن شده است که میاهدین در جلب اعتماد توده ها و حتی در کشاندن آن توده های چند صد هزار نفری تظاهرات خود یا بخش از آنها در مبارزه ی کوشی توفیقی نداشته اند. چند صد هزار نفری که در تظاهرات میاهدین شرکت میکردند، اولاً الزاماً همه از هواداران میاهدین نبوده بلکه ضد رزم

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان علمی سرمایه دار

حاکم بودند و ثانیاً آن توده های شرکت کننده در تظاهرات ، با آنکه مدانستند که آن تظاهرات توسط حزب اللهی ما بخون کشیده میشود ، در آن شرکت میکردند ولی همان توده ها در مبارزه ی حاد کسوفی شرکت ندارند . چرا ؟ بی تردید ، جو ترور و وحشت و سرکوب و اعدای وحشیانه ، یکی از عوامل مهم در این امر است ولی توضیح دهنده ی غیبت نه تنها توده های عظیم ناراضی و متنفر از رژیم بلکه حتی توضیح دهنده کل عدم حضور همان توده های چند صد هزار نفری در تظاهرات و راه پیماییهای مجاهدین نیز میباشد . اگر مجاهدین بعد از ۳۰ خرداد این توهمن را داشتند که به محض آغاز عملیات مسلحانه ی جوانان قهرمان دختر و پسر مجاهد ، توده ها از آنان حمایت گسترده خواهند کرد امروز این چنین توهمنی نثارند . مضمون رجسوی اخیراً دربارت

از مصاحبه های خود در پاریس اعلام داشته است که هدف از مبارزه مسلحانه کوفی مجاهدین ، شکستن فضای اختناق و ترور و کشتار است و توده ها به مبارزه ی رو یا رو با رژیم و ایجاد

کوفی که مجاهدین محتلمترین بدیل در مقابل حاکمیت به شمار میروند نیز در توضیح یکی از اطل عدم حضور توده ها در اکسپونهای صلحانه مجاهدین ، در این جا در رابطه با مجاهدین برجسته کن خاصی می یابند .

بهر حال اگر مجاهدین به توده ها توضیح ندادند که چطور در ظرف کمتر از سه ماه ، امام است و رهبری انقلاب ، پسر بزرگوار ، به جلال و خشن آشار ، ضحاک زمان ، پسر کنگار دم گوی ، مؤمن بزرگ قسم تبدیل شد ، و بی کسی نمیتواند از توده ها متوقع باشد که لاف چنان سخنانی را در پیش خود مطرح نکنند . توده های مارکزیستی سال ۵۷ ، امروز حق دارند که از رفسان سیاه و سفید پرتوخته ، بپوژه اینکه بنی صدر ، همان "جمهوری اسلامی" و رجسوی "جمهوری اسلامی" را (که دو سال و نیم پیش برای اولین بار توسط بزرگان مطرح شد) عنوان میکنند .

عدم توضیح نکات فوق از طرف مجاهدین بقوه ها - هر چند که به آن نام "تاکتیک" دهند - چیزی نیست که در ضمن توده ها شوق ایجاد اعتماد لازم به این سازمان راه هدانند اعتمادی که در گذشته نسبت به مخفی وجود داشت ایجاد کرده مجاهدین میتوانند با توجه به همین تجربه خود را بدوکار توضیح در باره مسائل اشاره شده در فوق پس رخصتشان کمتر با ندانند ولی ایشان یعنی همواره آفرینانی که تلخی تجربه ی "نوبت اوشاکو" را در زمان نیست که پشت سر گذاشته اند نیز حق دارند بهمان سادگی گذشته ، حکم "رهبر" یا "رهبرانی" را از پاریس گزاش ندارند که در "میتاق" ، هیچ چشم انداز به واقع روشن برای خواستهای اساسی آنها ارائه ندادند . در این حال چگونه میتوان توقع داشت که توده ها در مبارزه حاد کوفی ، بسا وجود سرکوب و وحشیانه ی رژیم ، شرکت کنند و بخاطر رسیدن به چه آرمانی زندگی خود را بخطر بینند از آن؟

البته هیچ دور از ذهن نیست که همین توده ها و یا بخشی از آنها در صورت شکست نندن و یا تخفیف جو اختناق و سرکوب ، بخاطر نبود بدیلهای منطقی با خواستهای خود ، بدیل بنی صدر - مجاهدین را هزار بار بر رژیم مخفی ترجیح دهند و در مبارزات درگیر ، فعالانه شرکت کنند . هر چند تماسی آحاد نصیرات آبی جامه از هم اکنون قابل پیوستن بنی نیست اما آنچه را از هم اکنون میتوان بسا قاطعیت اعلام کرد اینست کهبا شکست حاکمیت مخفی در مقابل این رژیم کوفی - بپوژه اینکه این شکست در هفته ها و یا حتی ماههای آینده بدست آید - حاصل اجتماعی آن چیزی جز یک تحول سوزناکی نخواهد بود . برنامه اعلام شده توسط قدرتمندترین جناح اپوزیسیون یعنی مجاهدین - بنی صدر در "میتاق" و رفیق شدن مواضع شد سرانهداری ضد امپریالیستی این سازمان در مصاحبه های متعدد درجوب و در کنار تمام ارتباط های داخلی و بین المللی بنی صدر که طی سه سال از یک مهاجر ناشناس در آلمان پای رهس چهره ساخت و همینین مانورهای دیپلماتیک نصفت وزیر انتمانی ایشان در پی خطر جلوه دادن سازمان مجاهدین ، برای نیروهای پهنف داخلی و خارجی ، همانطوریکه در شماره های گذشته نیز به تفصیل در پیرامین آن سخن گفته ایم چیزی بیش از اطلاعات نیم بند سوزناکی در نظام سیاسی و اقتصادی آینده کشور ارائه نمیدهد . سرکوب نیروهای شرکت کننده در صحرائ طی مقاومت (مجاهدین) بنی صدر

زمینه اعتراضات ، اعتمادات و قیام عمومی است .

این چشم انداز میتوانست درست باشد اگر چیزی صبرتر از "میتاق" ، از "جمهوری اسلامی" بنی صدر از "جمهوری دموکراتیک اسلامی" رجسوی و از بیانیه ها و مصاحبه های رجسوی و بنی صدر در پاریس ، بتوده ارائه میشد . بهر حال تفاوتی آید تزلزل شک مجاهدین با نیروهای کوفیستی به چگونگی و نحوه عملکردهای مجاهدین و رژیم خاص بنی صدر . مجاهدین در یک فرهنگ مذهبی ، که از نظر جبهات اساسی آن چنان با فرهنگ حاکمیت متفاوت نیست ، رشد کردند و در چهره ی تضادهای آن عصر ماندند . این زمینه ی مذهبی که تشکیل دهنده ی عنصر اصلی و شعور کاذب بخش اعظم توده ها برای بیان بردها و خواستهای ضد امپریالیستی - دموکراتیک آنها بود ، زمینه ی مادی رشد مناسب برای مجاهدین را فراهم میکرد و مجاهدین نیز با برخورداری از سنن تشکیلاتی گذشته ، بخشی از آن سو محسند . اما همین زمینه مذهبی در درون خود آحادی از دوری این سازمان از مردم را با خود داشت . سنت دیرینه ی تشیع یعنی تجربه ی مکرر عدم هوژانی مجاهدین ایشان مؤثر بود که تاکتیک به مفهوم خرد بهرژانی آنها در نزد این سازمان مرسوم داشت . مجاهدین با قریب دو سال "حمایت انتقادی" از رژیم جمهوری اسلامی به بود حمایت بدون انتقاد از رهبر - انقلاب ، از کار بسیاری از رویدادها و وقایع بحرست گذشته اند و با چشم بر آنها فرو بستند . سرکوب خلقهای کرد و ترکمن و عرب ، سرکوب آزادیستهای سیاسی و دموکراتیک ، بستن مطبوعات شرقی ، حمله به تظاهرات و راه پیماییهای نیروهای شرقی (شهر از تظاهرات و راه پیماییهای مجاهدین) ، سرکوب زنان و کارگران بیگار ، مسئله دانشگاه ، جنایات بنی صدر و بپوژه جنایات شخص خصمی و درها نمونه دیگر ، از جمله صافلی نیست که از دیدگاه مردم بدیدر بخاند و حتی با گذشت زمان از خاطرها فراموش شود .

(انتقاد در زمینه های فوق فقط مربوط به مجاهدین نیست این انتقادات در اکثر موارد ، با قدرت بیشتری نتیجه سازمانهای کوفی نیستی نیز هست ولی در لحظه

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

و چند تن دیگر در داخل و خارج کشور، بر تاجک‌های اعلام شده و حتی نوع خاص تاکتیک صلحانه‌ی اتحاد شده از جانب مجاهدین که در حقیقت تمامی بدنه این شورا را تشکیل میدهند، و همچنین فقدان یک جنبش وسیع کارگری - تودایی که بتواند خواسته‌های خود را بطور مستقل بیان کند و با حداقل در فریب‌بندی‌های خواسته‌های اعلام شده از طرف مجاهدین تأثیر بگذارد، ضمن تحول آتی جامعه را هر چند در اشکال رادیکالی همچون مبارزه صلحانه تجلی باید، فراتر از یک تحول به‌روزانی قرار نگیرد. صرف‌نظر از اینکه اساساً مجاهدین - احتمالاً حزب دمکرات، حکومت خصمی را سرنگون و بجای آن حکومت دمکراتیک اصلاحی خود را برپا دارند بانه مسئولیت چه باید کرد؟ به روشنی هر چه تأخیر در مقابل کمونیست‌های ایران مطرح شده است.

پروسی سرنگونی رژیم خصمی آغاز شده و محتفل‌ترین بدیل در حال حاضر بدیل مجاهدین و پنی صدر است؛ شکل و ضمن تغییر نظام سیاسی از هم اکنون روشن است؛ ضمن به‌روزانی، شکل قهرآمیز توده‌ها بدلیل مختلف در مبارزه‌ی کمونی، شوکت ندارند. کمونیست‌ها بدون هیچ پیوند مشخص با جنبش کارگری و بدون هیچ ارتباط معین و آسید - بخشی یا یکدیگر، به مبارزه‌ی بی‌انگه با رژیم ادامه میدهند. مصداق باید به آنچه که امروز ضحما تاریخ در مقابل سازمانها و گروههای کمونیستی یعنی تاکتیک کمونیست‌ها در قتال جبرانات کمونی جامعه قرار داده است، پاسخ داد. وظیفه کمونیست‌ها در حرکت فعلی چیست؟ صحبت از تعیین وظیفه شخصی است که امکان معین تحقق آن وجود داشته باشد و نه صحبت از فرودهای عمومی که تحت هر شرایطی با استناد به چند نقل قول خاص از ضمن، آنرا به عنوان وظایف کمونیست‌ها قضاوت کردیم تا در شماره‌های گذشته، به‌نگاری که هنوز مبارزه سیاسی شدت کمونی جریان نداشت، به کرات در باره‌ی آن سخن گفتیم و تز اتحاد نیروهای چپ را بعنوان تنها راه ممکن جهت سوق دادن بن سمت کمونی به مفری نه تنها با بدیل احتمالی شدن چپ‌درآینده بلکه حتی به عنوان یک عامل مهم تأثیر گذارنده در برنامه‌ها و خط‌شی‌های بله‌ل محفل کمونی، ارائه داده ایم. بکن از بهترین سوالات مطرح شده در جنبش کمونیستی ایران - که بدلیل متعدد و منطبق نداشتن دید و برنامه صحیح در جهت اجتماعی شدن آلترنا - تسیم کمونیستی، در پشت قافله‌ی تاریخ در حرکت است - چگونگی اتحاد یک برنامه صحیح در مقابل با شرایط نوین و از آنجا، اتخاذ یک تاکتیک عملی مناسب برای درگرفتن این شرایط است. پیدا است که برای پاسخ گویی به مسائل مطرحه در سطح جنبش و از آنجا تدوین یک سیاست اصولی، شناخت از تحولات کمونی و ترمسیم مشخصات عمومی حرکت جاری در سطح جامعه و استخراج استنتاجاتی بیرومن و وظایف کمونیست‌ها ضروری است.

آنچه بطور مشخص بعد از عزل پنی صدر از ریاست جمهوری، تشدید سرکوب و مقاومت نیروهای سیاسی و وقایع خونین ۳۰ خرداد در جامعه بی‌گذرد، از نظر کنونی و گویی دارای چند مشخصه مهم است: نیرو جاری در سطح جامعه بهتر از آنکه یک نیرو تودم‌های سازمان یافته علیه حاکمیت جنایتکار کمونی باشد، نیروی است عصبه تا بین حاکمیت و سازمان‌های سیاسی که بعضا همچون مجاهدین، حزب دمکرات و گروه‌ها، از پایه تودم‌های نسبتاً وسیعی برخوردارند و حاکمیت ارتجاعی نیز هنوز عقب‌مانده‌ترین بخش توده‌ها

را با خود دارد. هم اکنون ما با سازمان‌های مشخص توده‌ای - نه صحتی - و جنبش اعتراضی و مطالباتی و اعتراضات ضد استبدادی، به آن گونه که در مقطع قیام وجود داشت، مواجه نیستیم و تسبوت جنبش وسیع توده‌ای، که اشکال معین سازمانی و شیوه‌های خاص مبارزاتی را با خود به همراه دارد، علی‌رغم اینکه اوضاع حاکم اقتصادی وجود جنبش جنبشی را مطلقاً صرفاً مربوط به عامل مهم تشدید جو اختلافی و سرکوب و مضیانه نیست بلکه ادامه منطقی تمامی فعل و انفعالات جاری در سطح جامعه هم‌اکنون سرنگونی رژیم سلطنتی است - که یک نمونه آن این است که سازمان‌های سیاسی به تشکیل سازمان‌های تودم‌گراتیک و دامن زدن به مبارزات دمکراتیک بیانی ندادند و حتی از کار مبارزات موجود در زمینه آزادی‌های سیاسی نیز بی‌اعتنا شدند.

نمی‌توان نبود یک جنبش وسیع توده‌ای را عظیم اینکه عناصر مادی چنین جنبشی فراهم است، را تأثیر از تشدید ترور و خفقان و ماهیت فاشیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی دانست.

فشار و ترور و اختناق و زندان و شکنجه و اعدام‌های دسته جمعی حتی در حدی که جمهوری اسلامی به آن دست میزند - با اینکه در لحظه، یک عاصیل بازدارنده قوی است - ولی تنها توضیح دهنده‌ی نبود یک جنبش توده‌ای نیست و عوامل دیگری نیز در این امر دخیل هستند که در صفحات قبل به آنها اشاره کرده ایم. در این رابطه یک نکته دیگر را نیز باید در نظر داشت: مردم از سازمان‌های سیاسی جزئی براتب بیشتر از انسان‌های آگاهتر و احیانا فکارتوسر انتظار دارند. انتظار آنان، وجود رابطه پدر - فرزندی یا معلم - شاگردی نیست، انتظار یگانگی و اعتماد است. پس از خیانت رهبری حزب توده قبل و بعد از کودتای ۲۸ خرداد و خیانت جدید تفسیر فدائیان اکثریت امروز متوان گفت جنبش اقتصادی و جنبش رابطه‌ی این بین توده‌ها و هیچیک از سازمان‌های سیاسی وجود ندارد. ولی این عمل مهم ذهن نیز، در کنار عامل مهم ترور و سرکوب‌شدن توده‌ها، توضیح دهنده نبود یک جنبش وسیع توده‌ای نیست، چیزی که در تاریخ معاصر، شواهد متعددی از وجود جنبش‌های توده‌ای در قیاب سازمان‌های سیاسی وجود داشته است.

در کنار تمام این عوامل، همان‌طوریکه قبلاً اشاره کرده ایم، باید عامل مهم تیره صتقیم توده‌های مردم را در نظر گرفت. تجارب گذشته دور که در ضمن ناخود آگاه توده‌ها ضبط شده و تجارب نزدیک آنان که هنوز خاطرات روزها و دقایق آن در ذهن آنها زنده است، چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت. توده‌هایی که خسته و دلزده و با آرزوهای سرکوب شده از یک انقلاب سیاسی شکوهمند بیرون آمده‌اند، علی‌رغم آنجا که توده‌شان از حاکمیت جنایتکار کمونی، بزدلی‌ترین بدیل باستانی روی خونی‌شان نخواهند داد. و این نفرت و انزجار هر قدر شدید باشد پشیمانی کافی نیست که مردم را بصورت مبارزه صتقیم، آنهم بطرف یک مبارز معاد رو یا رو علیه حاکمیت و پاسداران جنایتکار آن بکشانند، بجزه وقت که توده‌ها بدرستی ندانند جامعه آینده با جامعه امروزشان چه تفاوت اساسی خواهد داشت و این تغییر در زمینه‌ی ضامیات سیاسی است و بسا ضامیات اجتماعی؟ دیدن امکان تغییر از جمله عواملی است که در شوکت صتقیم مردم در جنبش سیاسی نقش مهمی ایفا میکند. تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری

پیش‌بسیوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



دموکراتیک اسلامی چه تغییر مهمی را به دنبال دارد ؟
به عبارت دیگر نتوانیم بگوییم جنبش وسیع توده‌ای در
مقطع کنونی را فقط به خاطر اشتقاق و سرکوب شده‌ها،
محدود کرد (تا آنطور که می‌باید بین سرکوب با درهم
نکستن این جو از طریق عطیات سلحشانه ، به جنبش
وسیع توده‌ای دست یافت) بلکه همین باسند
صیحه‌ی عوام اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و تاریخی
و روانشناسی توده‌ای را در نظر گرفت ، و این صیحه
عوامل است که در تداخل با یکدیگر ، شرایط ویژه‌ی
آهوی را ایجاد میکند .

صیحه‌ی بوجود و برناه رفیق شده‌ی می‌باید
برای ایجاد شرایط ذهنی لازم در توده‌ای شدن
مبارزه‌ی کنونی ، شده‌ها ، نارساست و نباید توقع داشت
که توده‌ها بخاطر تغییرات ناچیز سطحی بمیدان مبارزه
بیایند و گوشت دم توب باسداران جنایتکار رژیم خصم
بنشوند . حتی برای درهم شکستن جو اشتقاقی و تولد و
سرکوب فاشیستی حاکم ، با هدف روی آوردن توده‌ها
به مبارزه ، علاوه بر اصلاحه ، انگیزه‌ای قویتر از پاره‌ای
اصلاحات رو بنایی و چشم اندازی روشنتر از وده‌های
مذهبی لازم است .

نکنه آخر اینکه می‌بایدین طریق انسیام سازمانی
قدرت و انضباط خوب تشکیلاتی ، کارائی نظامی ، اطمنان
شاید اتراق امیزانه پایه‌ی توده‌ای خود و برخورداری از
اعضا و هواداران برجسته و داکاره اشتباه می‌کنند که خود
را بهرراه بنی صدر و چند شخصیت سیاسی دیگر برای سرنگونی
رژیم خصم بنده بدانند . و در بهترین حالات ، از سازمانهای
کوتختی و بد افه زحمت کشان بخواهند که به "منشاق"
بنی صدر "طریق شوند" . اینگونه برخورد با واقعیت های
جامعه و مسائل بسیار بیجوده‌ی می‌بایستی نظیر ایران جامعه
آفرین و صیبه‌بار است . سیاست "آش کشه خاله ته" بناگر
به سرنگونی رژیم خصم هم ضحیر شود ، در عالم میروت
سیر می‌کند و راه به ترکستان میبرد . نزدیکترین تجربه
تجربه‌ی رژیم خصم است . اگر می‌بایدین با حسن نیست
کنونی خود بگویند به آنها نیرسند ، تا تودیدی نداریم که
سرستند . ادرات منطقی سیاست هر چه من میگویم نسو
بند بر و من طریق شود ، به آن رسیدن است ، اولین سنگ
بنار را - مطاران "جامعه دموکراتیک اسلامی" چه بدانند
وجه ندانند - بچ نهادن است .

۱۱۱۰۲	۵۳۰۰	۱۱۱۰۲
۱۱۰۲	۷۷۲	۱۱۰۲
۱۱۰۲۰	۵۳۰۰	۱۱۰۲۰
۱۰۱۳۲	۱۰۴۶۷	۱۰۱۳۲
۴۱۷۳	۵۴۶۷	۴۱۷۳
۲۶۷۳	۶۱۱	۲۶۷۳
۵۰۰۰	۱۰۸۹۴	۵۰۰۰
۱۵۱۰۰	۵۱۱۱	۱۵۱۰۰
۱۵۵۵	۲۳۰۳	۱۵۵۵
۱۰۷۲۲	الف الف	۱۰۷۲۲
۱۵۱۰۰	۲۰۷۱۵	۱۵۱۰۰
۱۰۷۲۲	ب	۱۰۷۲۲
۲۷۰۰۴	۵۰۱۰	۲۷۰۰۴
۲۵۵۵۰	ج	۲۵۵۵۰
۴۰۱۰	د	۴۰۱۰
۳۰۱۲	هـ	۳۰۱۲
۳۰۱۲	و	۳۰۱۲
۱۹۲۷	ز	۱۹۲۷
۳۸۱۱۲	ح	۳۸۱۱۲
۲۱۱۱	ط	۲۱۱۱
۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
۷۲۱	ک	۷۲۱
۲۱۲۰	گ	۲۱۲۰
۱۲۲۰	خ	۱۲۲۰
۲۰۴۶۷	پ	۲۰۴۶۷

۱۳	شده	(تهران)	هدیه‌ها
۱۱۱	ج		
۱۵	د		
	هـ		
	و		
	ز		
	ح		
	ط		
	ق		
	ک		
	گ		
	خ		
	پ		

گمکهای مالی دریافت شده		
تهران	پ	ج
۱۲۷۲	۶۱۹۷	۵۱۲۲
۵۱۰۰	۶۵۱۴۵	۵۰۲۵
۱۰۱۰۰	۱۰۰۰۳	۱۰۲۵
۲۱۰۰	۱۵۱۴۵	۲۰۲۵
۳۰۰۰	۶۵۱۴۵	۳۲۲۲
۲۱۱۱	۱۰۴۳۲	۱۷۲۱
۴۰۰۴۵	۲۰۰۱۳	۱۱۲۵
۲۰۵۴۵	۳۹۸۷	۲۱۱۱
	۳۰۲۵	۳۸۰۰
		۹۲۱
		۱۰۵۱



سرفگون باد رژیم جمهوری اسلامی

از افاضات پیشنهاد ارتجاع

آگاه و مبارزه بیگاری در ابعاد وسیع و گرانسی
سرمام آور و صداها نهنه دیگر از این گونه طرزوات
جامعه سرطایداری و اپر ترمی توهم و فریب و دروغ
و با تنه یادی مداوم پراکنده ساخت
و اکنون خصنی که بخصی جدا نه واقعیات پر و
با قرض خصنی آبریزی بر او باقی نگذاشته بدستی
به آخرین تیر توگشخ ، به آخرین پناه گاه ان بدست
طو دراز صکنه و میگوید .

خدا بیانات فرستاد و میزان فرستاد و حدید
فرستاد لیقوم الناس بالقسط
اگر شد با بیانات با میزان ، میزان هر چه
هست ، اگر نشد ، حدید است .
توسیر مردم با حدید زد تا ایننگه
آیضا را آدم کرد تا جامعه را جامعه صحیح
کرد .

(همینجا تاکید از ماست)
به عبارت دیگر وقتی مردم "آدم" میشوند ، یعنی بسه
سهولت زیر بار زور نمی روند باید طیف کلام خدا گوی سر
((آنها)) با حدید زد باید زندانی کرد ، شلاق زد ، شکنجه
داد و تیرباران کرد و به صلح کشیدشان .
بی شک انسان باید پیشنهاد ارتجاع باشد تا جملاتی
با چنین صراحت ادا کند . جملات فوق هنگامی از
عقی کلانی خصنی برده بر میدارد که با روحی های
او قیل از به قدرت رسیده ان حقایق شود ، سا
برای جلوگیری از اطلالی کلام از میان انبوه وعده و
وعده های بی حصر و مرز قیل از به قدرت رسیدن خصنی
تنها به دو نمونه اکتفا میکنیم . خصنی در مصاحبهای
که با خبرنگار روزنامه ی اسفیر در اواخر دیماه ۵۷ -
انجام داد گفت :

وقتی يك حکومت اسلامی و انسانی در ایران
بر سر کار آید ، دیگر مستطای بنام مسئله کرد
در این کشور وجود نخواهد داشت . . . چنین
مسائلی (مانند مسئله کرد) از این جهت
طرح میشوند که حکومتها بر تحمل شده اند
و از سیاست تخصصی بین جوامع پیروی میکنند
چنانچه يك حکومت اسلامی تشکیل دهیم ، چنین
مسائلی را پشت سر میگذاریم .

و در يك مصاحبی مطبوعاتی را در تلوزیونی که در ۱۴
مهر ۵۷ برگزار گردید در حالی که شرکای دیروز و
رقبای روشمته امروزش یعنی صادق قطب زاده و ابراهیم
یزدی بمنبران ترجمین در چپ و راست او نشستند
بودند گفت :

دولتها حق هیچگونه نظارتی بر مطبوعات و
راد بر تلوزیون ندارند .
چند چیز رنگ عوض کردند ، آنهم در مدت دو سال و
نیم تنها از عهد کسان ساخته است که برای توده ها
و تیره و آگاهی آنها خصنی ارزش قابل نیستند .
هوجه افاعات عالم که دهان بیشتر بیان صندرمحق
تعبیر فکری و شیادیش بیشتر آشکار و ضرورت سرنگونی
نظامی که چنین پیشوایی آورد - که مهر شکست
تاریخشان را قبل از تپله بر پیشانی دارند طلچتر
مکرد .

خصنی به عنوان رهرو راستین راه پیغمبر در سخنرانی
پر طعنه افش که به مناسبت دیدار با روحانین و ائمه
حجوات استان خراسان و روحانین عازم مکه ایرا در
کرد با زبانی که بیشتر مخاطبینش بر بردند گفت :

((پیغمبر)) تمام عمرش مشغول این بود که در
مکه به انظر نمیتوانست به بیانات و به میزان
و به موعظه ها عمل میکرد تا وقتی که در صدد
بود . تا اینکه نصیته بود ، همینطور انجم
مکرو تا وقتی که مدینه میا شد و ایشان
هم آمدند مدینه ، دیگر هفاش مسائل ، مسائل
حکمت بود و مسائل سیاست بود و اینها اکبر
است رسول الله هستیم ، این رسول الله (اطلاعات
۱/۱/۶۱)

احتمال میدهد آقایان دیدار کننده با از بالا گرفتن
ناراضی های مردم گله ما ؟! داشته اند و یا شاید
حتی حرمت کرده باشند و عواقب اعدا صبا و سرکشیهای
پوهنای دولت را تذکر داده باشند که شایع
است و این مدائی در کتب خالی ن چنین در
پا داشته است . (جالب اینجاست که روزنامه
اطلاعات در تاریخ ۷۰/۶/۶۰ با تیز درشت اسلام
کرد . " ۱۱ تریویست (۱) در شهید دستگیر
شدند . " گویا رهنمود های خصنی بی اثر نبوده است .
پهر حال آنچه خصنی بر مردم اوصیت اسلام عزیز
روحانیت و " توس " ایرادتها از این دو در این
سخنرانی بر سرور و قیلا بصوت گش آوازی را در
شاهکار بی نظیرانی ؟! " تاغای از امام موسوی
کاشف الظلمة " - اسم دیگر " ولایت فقیه " -
نعل بالنعل حتی با جملاتی مشابه سیاه کرده بود .
اگر تا دیروز چپ میبود بود از لابلای کتابهای
خصنی بخوان تهریزه کننده و پایه گذار " ولایت فقیه "
دید و برداشت او را از توده های مردم نشان دهد
و فریاد بگردد که :

در جمهوری اسلامی طبقه کارگر و زحمتکاران
شهر و ده بگوشندان میمانند که از این
گونه بلایای جوامع طبقاتی در آن اثری نباشند .
توده ها نه گوشندان محتاج " جوان " اند .

بلکه قهرمانان واقعی تاریخ میباشند . تنها
قدر و حیل ناشی از مالکیت خصوصی تنها
به پیش این افکار فوق ارتجاع است و . . .
امروز باقتضای احتضن با گامهایی غول آسا نقاب از
چهره به غایت کریم صورت داران جمهوری اسلامی
برداشتند و محتانیت این گفتار چپ را به خوبی بیان
کرده است .

لیق انعام انقلابیون ، بگوله بصلن تظاهرات
مردم و راه انداختن جنگی که به کشتار هزاران نفر
و از قتل و بی خانمانی میلیونها جنگیزه منجر شد
و هزاران خلق کرد در اوطن بهار آزادی استبداد
و مصلحتی تلوزیون و خلق توگشخ و سوزناوردی آزاد پهای
نیم بندی که به بین تمام قهرمانان مسترد
حاصل شده . بود اشراق وجه زندان انداختن کارگران

ایران

ومطبوعات جهان

پرونده در سر مقاله‌ی شماره اول سپتامبر ۸۱ (۱۰۵ - شهریور ۱۳۰۰) خود تحت عنوان "در حال غرق شدگی" از پشت میز آمد.

با وارد آوردن ضربه بفسر دولت و توفیق در کشتن سلطان رئیس جمهور و رئیس دولت - جمهوری اسلامی و آیزسیون صلح ایرانی، ضربه ای بی‌سابقه و عده‌ها اقدام چنین آمیز برای به زانو نشاندن کسانیکه عزم به پناهندگی رژیم کرده اند و در وقت نشوین سرکوب بی‌سار و غزم آسوخ مخالفین رژیم آفرید است. کشتن رئیس جمهور و نفست وزیر جنگ و وزیر بهوض تمام نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی متوجه تاهمه امنیت رهبران اصلی خود نیز نیست.

آنگاه از این پس مطرح است مسئله‌ی ادامه‌ی حیات خود رژیم است. همه از ضربه‌های شدیدیه که به حزب حاکم وارد شده و درک این امر مشکل است که از بین بردن دولت از بالاترین مقامات سیاسی کشور و بدون همتی و همکاری گروه رهبری کننده صورت گرفته باشد. قابل ذکر است که تحقیقات در مورد انفجار دو ماه پیش در مرکز حزب جمهوری اسلامی و هنوز به نتیجه نرسیده است. درست است که رژیم ایران از مراکز قدرت چند گانه و بهای هم تشکیل یافته و هیچ و هیچ حاکم در کارکرد نظامی، امنیتی، ایجاد اختلال میکند، با این همه بجای - جمهوری صبرین و نهادی کردن اهدافی ظالمانه و تهاجمی در به نشوین بدون تمایز بین مخالفان واقعی و غیر واقعی که رژیم در مقابل مخالفان خود راهی جز توسل به قهر و با توسل بان چیزی را از دست نخواهند داد، باقی نگذاشته است.

پرونده در سر مقاله‌ی اول سپتامبر ۸۱ می‌نویسد: برای آنگاه مخالفان صلح یک رژیم دیکتاتوری و آید مال نظامی اینست که "سرهای دولت را از بین ببرد". تا کنون چندین جنبش به‌مناظر دست زدن به چنین عطیاتی (که از نظر اول غیر ممکن بنظر می‌رسند) در میان شکنجه و سرکوب از هم پاشیده شده‌اند. معمولاً آن جنبشها با مانع دستگامهای امنیتی که در کار شدید موانع آند و هیچ شانس به مخالفین رژیم نمیدهند و برخورد کرده‌اند. در این حال

مخالفین خود را به کشتن چند سرباز و افسران کم اهمیت قانع نگیند. در ایران و همین چیز صلح جاهای دیگر نیست. دو سال رژیم

بعد از انقلاب نوریه... آیزسیون صلح رژیم خبثتی و در طی دو ماه و یکسوم هزار اقدامی و هزاران زندانی و در حال از بین بردن "سرهای رژیم دیکتاتوری" می‌اند... آیزسیون صلح... به زکرمی در نوع خود کهنه‌پر دست می‌باید تا به تمام حساب شده‌ی یک طبقه سیاسی...

لیبراسیون در همین صر مقاله و دلیل آیزسیون صلح مملکت را در "ضخف شده‌ی سازماندهی و تشکیلاتسی رژیم" و "باند بازی و فرقه‌گرائی" میخواند و در پایان نتیجه میگیرد:

"رژیم است که این بپ گذارها از نظر فنی احتیاج به نفوذ در دولت رژیم دارد. علاوه بر هیچ و هیچ حاکم در سیستم حکمرانی و این امر نشان میدهد که آیزسیون صلح در واقع حکومت طوفان ارانی دارند که... میتوانند در روز دلخواه با مواد ضعیفه خود در جلسات رهبران رژیم شرکت کنند."

..... میتوانند در روز دلخواه با مواد ضعیفه خود در جلسات رهبران رژیم شرکت کنند. در مورد خاطین بپ گذاری در نخست شهری، در مطبوعات خارجی سه احتمال را قویتر از دیگر احتمالات میدانند:

- ۱) میاهدین با همکاری نوثر مقامات بالای رژیم جمهوری اسلامی.
- ۲) جنگ مخفیانه و جدالیهای درونی رهبران رژیم تا چنانکه روزنامه لوپان در شماره اول سپتامبر ۸۱، از خوش شانسهای بی دردی و "شکوک" ناشی رضنجانی بهنگام انفجارها سخن میگوید. و هفت نامه "فریک" - آزی، شماره ۳۱ اوت خود، قبل از انفجار کاخ نفست شهری، در باره خروج چند دقیقه قبل از انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی نوشته بود:
- "اگر چه در حال حاضر باید از نتیجهگیریهای عجولانه خودداری کرد ولی شایعات گسترده‌ای وجود دارد که این بپ گذاری (در دفتر حزب جمهوری اسلامی) را به تحریک حساب برون و حامیهای مخالف حزب نسبت میدهند."



۳ کار کادوهای بالای ارتش و ساواکیها، در مورد این احتمال سوم بخاطر خصلت بسیار تکمیلی و حرفه‌ای این انفجارها تقریباً کلیه مطبوعات فرانسوی، بعنوان یکی از احتمالات متفق القولند. استدلالشان بر اینست که با اشرار فصول نشدن ارتش شاهنشاهی و بکار گرفتن بسیاری از افراد آن در رژیم جمهوری اسلامی، و نیز استفاده میده. ۸ درصد از ساواکی‌های سابق در ساواکا (لومانت) اول سپتامبر (۸) این افراد در سطح مملکت رژیم رخنه گردانند. افراد کشته‌های ضد خرابکاری ساواکا که در عالی ترین مرکز تعلیمات خرابکاری و ضد خرابکاری آمریکا درود دیده‌اند پس از گردیدن باسلام و پیشانی قادرند که از مهارت دوگانه خود در خرابکاری و ضد خرابکاری (هر يك بجای خود) استفاده بکنند. بر پلانته که به همراه يك زن روزانه نویسی (کلرا بری) و از انقلاب بعنوان خبرنگاران روزنامه کیراسیون در ایران بسر بردند و بعد از انقلاب کتابی نوشتند بنام "ایسران و انقلاب بنام خدا" روزنامه نگاران - خبرنگاران نظیر پیر پلانته که قبل از انقلاب در صاحبه‌ها و گزارشهای بر شهر فراوان خود در دفاع از مبارزات و توده‌ها علیه رژیم شاه نقشی مهم در جلب حمایت‌ها و عین فرانسه به نفع مبارزات مردم علیه شاه داشته‌اند و پس از انقلاب و استقرار رژیم ارتجاعی حینی مبارزان و از همان آغاز بصورت مخالفان رژیم ارتجاعی اسلامی در آمدند. پیر پلانته بعد از انفجار کاخ نخست وزیری متوجه ای در هفته نامه "نیول اسپر واندر" مورخ ۱۱-۱۰-۵۵ سپتامبر (۸) (۲۰ - ۱۴ شهریور ۱۰) نوشتند تحت عنوان "انفجار و مقصد حرفه‌ای‌ها" که در زیر جمهوری از آن نقل میشود:

"از شانزده یار شفیق خمینی که مقدمات بازگشت او در قریه ۷۱ (بهمن ۵۷) بایران را فراهم کرده بودند، امروز ۱۴ نفر در تاسه افتادمانند: بقتل رسیده‌اند از صحنه سیاسی بیرون رانده شده، دو باره به تبعید بازگشته‌اند... باید از مهارت خاصی برخوردار بود که بتوان انفجاری را در دفتر نخست وزیری، در محلی که ((بعد از چهاران)) بهیستراز هر نقطه دیگر تهران از آن محافظت میشود، سازماندهی کرد و به مرحله اجرا در آورد. آری باید بسیار کار کشته و ماهر بود که بتوان از محله نخست وزیری که بروی هر رفت آبدی بسته است و توسط پاسداران و افراد کشته‌ها محافظت میشوند عبور کرد. باید از منابع خبری خوبی برخوردار بود تا از تشکیل رو

جلسه همزمان در نخست وزیری (یکی در باره مسائل امنیتی کشور و دیگری در مورد مسائل اقتصادی) مطلع شد. باید بینهایت صبور بود تا بتوان مراد متفهمه را در جای قرار داد که فقط اشخاص مورد نظر (نه تمام افراد مستقر در اطراف) را حتماً به کشتن داد. امروز مقامات و کم ((قبل از همه خمینی)) اصکبه که يك

بچه هم میتوانست این کار را بکند. و این مطلب را در مورد انفجار شب ۷ تیر که به قیمت جان آیت الله بهشتی، مرد نیرومند رژیم، تمام شد نیز گفته بود. نه! بچه به هیچ وجه قادر به چنین کاری نیست. انفجار های هفت تیر و ۸ شهریور کار حرفه‌ای‌های برجسته است.

کدام حرفه‌ای‌ها از کدام هندستان استفاده میکنند؟ همه چیز ممکن است: از مجاهدین خلق گرفته (که دوستانی در درجات بالای سلسله مراتب روحانیت دارند) تا سلطنت طلبان (که تلاش خود را با اضا سابق ساواکا که امروز در ساواکا فعالیت میکنند، حفظ کرده‌اند) و تا تحریک حساب داخلی آخوند ها - قبلا، پس از مرگ بهشتی این پیچ و شافیه وجود داشت که کشتن او صحنه است کار آخوند های باشد که از قدرت فراوان او و تماسش با آمریکا قشما، نگران بودند... بهشتی موفق شده بود که با آمریکاکیها مذاکره بکنند و آزادی و بازگشت گروگانها را به امریکا (که بنی صدر و قطب زاره در این راه شکست خورده بودند، بدست آورد. از آدم آشنا با رموز دست از استالین شیعه یعنی از آیت الله بهشتی بسر بی‌آدم که تفسیر جهت دهد و آمریکاکیان قرار بگیرد.

امریکاکیها بخوبی آمادگی داشتند از يك رژیم با ثبات و تحت رهبری مردی با پنجه‌های آهنین یعنی از بهشتی حمایت کنند. آیا هدف بهشتی به تشویق روحانیون انجام شد که به حزب توده نزدیک‌اند و خواستار نزدیکی با شوروی هستند؟ این يك فرضیه و شایعه است. شایعه‌های مشابهی در مورد کشته شدن رجایی و با هنر نیز وجود دارد. رجائی بازگویی ارزش وی اهمیت بود که توسط بهشتی برای مقابله با بنی صدر بجهت‌آورده شده بود. با هنر از اهمیت بیشتری برخوردار بود... روحانیون شیعه که از ۱۲۰ هزار آخوند تشکیل میشوند نه يك دست است و نه همه آنها پشت سر قشریت امام قرار دارند. هر گروه حزبی در بین روحانیون، مشتری خود را دارند. مجاهدین و دوستان و هندستانی در بین جامعه روحانیت دارند. حزب توده که استالینی ترین حزب جهان است و همین زانو بخمینی خمیده است و در بین پارمائی از روحانیون نفوذ کرده است. آیت الله های بزرگ که آنها را آیت الله المظنی

مینامند (شریعت داری، قوی، نیروزی) اگر نخبه‌پرند که یکی از هم قطاران خوبی را بجای نماینده خدا بگیرند برای این است که آنها هزار بار رژیم سلطنتی را، که حقوق آنها را محترم بشمارد، ترجیح میدهند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

نشریه هفتگی "لوپوان" چاپ پاریس، در شماره مورخ ۱۳-۲ سپتامبر ۸۱ (۲۲-۱۷ شهریور ۱۳۰۰) در مقالهای تحت عنوان "ایران: جنگ آخوند ها، حادثه ای انفجار کاخ نخست وزیری را بر اساس نظر یکی از کارشناسان ساکن ایران که به تازگی پس از شش ماه اقامت در تهران به پاریس بازگشته، ناشی از جنگ بی امان اینتالهما، حجت الاسلامها و سایر ملامهای به ظاهر متحد" قطعا در میکند.

"لوپوان" در ادامه مقاله می نویسد:
 اگر عامل انفجار توانست بدون درز مستحکم نخست وزیری وارد شود به معنای اینست که همه اقتضای شغلهای می توانست به راحتی وارد آن شوند درست مثل افسر عالیرتبای مانند سرهنگ فون اشتون برگ که حق ورود به مقر هیئت رادانت و توانست بعدی را در اطاق کار هیئت رادانت دهد که نزدیک بود در ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۱ او را بهلاکت برساند.

"اکسپرس" هفته نامه دیگر فرانسوی در شماره مورخ ۱-۱۰ سپتامبر ۸۱ در مورد انفجار دفتر نخست وزیری می نویسد:
 در جلسه شورای امنیت کثیر، عدای از مقامات نظامی و انتظامی از جمله سرهنگ وحید دستگردی رئیس شهرهای، ژنرال نرفخواه، چند افسر واند آفری و نیروهای مسلح دیگر شرکت داشتند.
 هک همیشه بهنگام تشکیل جلسه "اطراف نخست وزیری به شدت محافظت می شد. انوسیلها حق عبور و مرور از کوچه ها و خیابانهای اطراف را نداشتند. روی بامها پاسداران با مسلسل ها مأمور آتشبارهای ضد هوایی مراقب بودند و تمام افرادی که وارد نخست وزیری می شدند مورد تفتیش بدنی قرار می گرفتند ..."

در این حال
 این انفجار می تواند توسط سازمانی مقدر و با همکاری مقامات بالای رژیم صوت بگیرد.

"اکسپرس" مانند سایر سایر نشریات فرانسوی سه احتمال: میاهدین، ساواک های نفوذ کرده در رژیم و "تسه حساب آخوند ها" را مطرح میکند. و در زمینه احتمال اخیر می نویسد:

"حجت الاسلام رضیحانی یکبار دیگر با دعوی اقبالی بازرگانی مواجه می شود. در ساعت سه بعد از ظهر، درست در لحظه انفجار بعب و رسمیت جلسه را اعلام میکند."
 در شماره مورخ ۳ سپتامبر ۸۱ نوشته است:
 انفجار یکشنبه گذشته بدلا بلی چند، اسرار آمیز بنظر می رسد بجزه بخاطر سکوت مقامات در صددیت ۹ تا ۱۵ مبرج حادثه، و این امر موجب شایعات بسیاری شده است. مدعی می کنند که تعداد کشته شدگان خیلی بیشتر از آنست که رژیم اعلام داشت و دلیل اسیر بخاطر آنست که تعدادی از مقامات انتظامی واقعی در میان کشته شدگان وجود دارد. سکوت - مقامات رژیم در این زمینه بخاطر نگرانی سیاسی

آنها از اعلام اعضا تشکیلی است که صلا جاززه با ترویج شد و خود در اولین جلسه شورای امنیت و مبارزه با ترویج، قرآنس آن گردید.

"المجاهد" (ارگان رسمی دولت الجزایر) در شماره اول سپتامبر ۸۱ در مورد انفجار دفتر نخست نوشت:

"در فاصله دو ماه یکبار دیگر آنچه که فریبنا بنظر می رسد، بوقوع پیوست... چگونه می توان چنین جزو وجود هندستانی در بین مقامات رسمی ترویج همین روزنامه در شماره روز بعد (۳ سپتامبر) برای اولین بار بجای "امام خمینی" از "آیت الله خمینی" نام می برد.

و اداری کردن زنان کارگر و کارمند در کارخانهها و ادارات به پوشش اسلامی و بعد اجبار زنان مراجعه کننده به ادارات و اماکن عمومی به همان پوشش گذائی یکی از "فراز" های ایجاد جامعه صد در صد اسلامی در داخل و یکی از مضامین اصلی انقلاب - اسلامی در جهان بخاطر صوفت. اگر این "گام اساسی انقلاب فعلا در داخل با موفقیت همراه شده و پس صدی آن بخارج با شکست مضعضانای مواجه شده است. گام اولیه برانصمد در انقلاب اسلامی به سراسر جهان در طی سخت آفری برای رژیم اسلامی بوجود آورد و زنان "مضعف" اروپائی تو ذهنی محکی به دهگان نگران رژیم آخوندی وارد آوردند. شرح تخلص شده ی این امر را از شماره ۲۶ مورخ ۲۱ اوت ۸۱ (هشت شهریور ۱۳۰۰) مجله "اشیگل" نقل می کنیم.

"کلمه کارمندان زن هواپیمائی طی ایران در آلمان غربی، بر اساس دستوری که از تهران صادر شده از این پس باید موها، پیشانی و ابروهای خود را در زیر دستمالی به ابعاد ۱۰x۹ سانتی متر پنهان کنند. محمد کاظمی، رئیس "ایران ایر" در فرانکفورت، اصرار داشت که دستور خمینی را در خاک آلمان بیاده کند. او به کارمندان زن اعلام کرد که هر کس در استفاده از روسری خود - داری کند، هر روز یک اخطار دریافت خواهد کرد. او ۷ کارمند زن آلمانی و یک کارمند زن ایرانی در فرانکفورت را تهدید کرد که سه اخطار موجب اخراج خواهد بود. زنان کارمند ایران به اداره ی کار فرانکفورت شکایت کردند. در آنگاه رسیدگی به امر مربوط به کار، پس از بررسی شکایت کارمندان زن، رای داد در صورتی که "ایران ایر" زنان کارمند خود را مجبور به استفاده از روسری کند، باید جریمه ای به مبلغ یکهزار مارک آلمان بپردازد و رئیس شرکت نیز به شش ماه زندان محکوم خواهد شد. قضات آلمانی در آنگاه عقیده داشتند که کارفرمای ایرانیان مقررات ضرر در ماده ی ۸۷ قانون کار آلمانی که بر اساس آن نوع لباس کار باید توسط نمایندگان کارگران و کارفرما مشترکا تعیین شود، را زیر پا گذاشته اند.

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

سازمان گوی سندیکای کارمندان مؤسسات خصوصی

اگر استفاده از روستا را قبول میکردیم بزودی میبایست زیر بار پوشیدن جورابها...
متحمل میشدیم.

انتشار رهائی

پس از پیوستن فاشیستی اخیر رژیم، تشدید مبارزات توده ای یکی از احتمالات جدی بود. سازمان ما در زمینه تدارک برای انعکاس این مبارزات محتاط و کک به گسترش آنها بر آن شد که نشریه رهائی را از شکل عمدتاً ترویجی گذشته به شکل تبلیغی با تکرار بیشتر در آورد. بدینسان این تصمیم، رهائی مدتی بصورت سه شماره در هفته و پس از آن نیز مدتی بصورت دو شماره در هفته منتشر شد.

بدلای کلی که به همه ای از آنها در شماره های مختلف رهائی و نیز شماره ی حاضر اشاره شده است عطفکرد سازمانهای سیاسی در کل بصورتی نبوده است که زمینه شرکت هر چه بیشتر توده ها را در امر مبارزه فراهم آورد. در این زمینه بخصوص نقش سازمانهای چپ قابل ذکر و انتقاد است. ما معتقدیم که سازمانهای چپ باید نقش توأم شرکت فعال در مبارزات برای سرنگونی رژیم و نیز اتخاذ تاکتیکها و برنامه های را که به امر توده ای شدن مبارزه یاری رساند بعهده بگیرند. سازمان ما برای ادای سهم در این زمینه ها به تجدید سازماندهی اقدام کرده و در تقسیم کار جدید میسر شده است که نیروی کثرتی بر فعالیتهای انتشاراتی بگذارد. بدین لحاظ انتشار رهائی به یک شماره در هفتشنبه محدود خواهد شد.

همچنین میبایست که کارمندان زن ایران نیز در شانزلیزه پاریس که از توس حملات ایرانیان مهاجروایک در پشت پولهای آهنین کار کنند نیز بدستور ایرانیان در استفاده از روستا و قفسی نهادمانند البته از آنان نیز خواسته شده که از روستا

و روستا بیرون بمانند استفاده کنند و پس از این کارمندان زن اعلام کرده اند که هرگز زیر بار این دستور نخواهند رفت. همچنین این موارد، سهامداران ایرانی ایران نیز از حق انتخاب محرومند. بسیاری از آنها کار خود را رها کرده و جای آنان را سهامداران برداشته است. تعداد محدودی از سهامداران زن که هنوز به سر کار مانده اند میبایست که مقررات حجاب اسلامی را دقیقاً رعایت کنند.

در ادامه مقاله، در زمینه ی تجاوزات به حقوق طبقه زنان و سرکوب رژیم در مورد آنان نمونه زیر را ارائه

در زن کارمند در یکی از شعبات بانک تجارت در تهران که فقط قسمتی از موهای خود را با روستا پوشانده بودند خشم شرعی اسلامی بانک را بر سر انگیزاند. شرعی اسلامی میخواست که در زن را در مقابل باجه های بانک شلاق بزنند و پس سرانجام تصمیم میگرفت که رشقی شمه را بعنوان مسئول این گناه شلاق بزنند.

هموطن!

با توجه به محدودیت امکانات سازمان ما در چاپ وسیع و پخش گسترده ی رهائی، که خود ناشی از اقدامات سرکوبگرانه ی رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم است، کوشش کن که پس از خواندن رهائی، در صورتیکه امکان تکثیر آنرا نداری، بهر وسیله ی ممکن هر شماره را لاف بدست همسایگان، دوستان و آشنایان خود برسانی و با اینکار سهم خود را در افزایش اهمیت اجتماعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی، برای درهم شکستن جو اختناق و سرکوب و در مبارزه طبعی تو و استبداد، ادا کنی.

بیروزی با ماست

با خوانندگان...

به منظور وسیعتر کردن برد افشاکری در شرایط سختان بار کوشی، سازمان ما وظیفه ی خود میداند که تعدادی از نشریه ی رهائی را مجاناً در میان هموطنان بخش کند. برای ادای این راه و تأمین هزینه های لازم از دیگر خوانندگان رهائی میخواهیم با الزامی کمتهای مالی خود ما را یاری دهند.

توضیح و پیوزش

مآساتنه صفحه بندی مقاله ی سرنگونی قهرآزمی جمهوری اسلامی، مبارزات توده ای و سازمانهای چپ در رهائی ۱۰۴ صفحات ۱۰۴ چاپی شده اند بنابراین این ابتدا باید صفحه ی ۵ سپس صفحه ی ۹ و بقیه ی مقاله در صفحه ی ۱۰ مطالعه شوند. همچنین از غلطهای تایپی شماره ی گذشته نیز پیوزش می طلبیم.

پرتوان بلد اتحاد کارگران علیه سرمایه داران

سیاست آموزشی یا شستشوی مغزی

روزم جمهوری اسلامی با تعالیم و احکامی که از چهارده قرن پیش از خود گرفته است تنها نیکوئی که بزرگان را شستشوی مغزی دهد بلکه صحت از آن ، بیشترین تلاش خود را به مغز آنها مصروف داشته است . رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از ضلالت قبل در فکر برنامه ریزی وسیع در این زمینه بوده است . شورای نظام آموزشی و پرورش عمومی ستاد انقلاب فرهنگی (پس از نهاد های ضد مردمی بود که با مسئولیت با هنر (معدوم) امر تحقیق بیرونی اهداف فوق را بر عهده داشته و از سال ۵۹ به تحقیق پرداخته و نتایج آنرا در سال ۶۰ بیرون داده است که مستحباتی از آن در کپان ۲۵ شهریور ۶۰ به چاپ رسید . تمام برنامه های این نهاد حول مسائل اعتقادی و اهداف جمهوری اسلامی به نظر تبدیل محصلین به گوسفندان مورد نیاز آینده رژیم و دور میزند . منابعی که مورد مطالعه آنان قرار گرفته به ترتیب زیر ذکر شده اند : ۱ - قرآن ۲ - بیامهای امام ۳ - قانون اساسی ، منابعی که جاسوسی برای رژیم اسلامی را یک امر واجب میدانند ، منابعی که تسلیم و سر فرود آوردن در برابر ظلم ظالمان را تبلیغ میکند و بهره کشی و کشتار و انواع اقسام جنایات را جایز می شمارد .

اهداف برنامه درسه بخش خلاصه شده است:

- ۱- پرورش : ۲- آموزش ۳- اسکارآموزی و مهارت علمی . در قسمت تربیتی آمده است که دانش آموز باید "پسه آرمانهای جمهوری اسلامی مؤمن باشد" یعنی کودکان باید از هم اکنون بصورت کارر جاویدان امام و بخدمت سرمایه برآیند .

حسن احترام به پیشوایان دینی و احساس افتخار و عزت به حجت پذیرش اسلام و ایمان . بیعتی به جنایت کاران و مزدوران و غارتگرانی نظیر بهشتی (مظلوم) با هنر (معدوم) ، خلخال دیوانه و به آرم کشانی نظیر رهنجانی ، خامنهای ، خنجسی احترام بگذارند و از "زحمت نشان" دور راه کشتار فرزندان خلق و غارت مردم زحمتکش و پرانی گمشده ضحمتکش باشند و از وجود منحوس آنها احساس افتخار و عزت کنند .

در بخش پرورش سیاسی میخوانیم :

- ۱- پرورش قدرت شناخت معروف و منکر و قدرت پذیرش مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه همتانی و مقابل .

یعنی همان سیاست لو دادن و جاسوسی کردن و تبدیل دانش آموزان به پایگاه ساواک اسلامی . اگر دانش آموزان و معلمان از یک چنین "قدرت شناخت" بر خود دار نباشند ، همان طوریکه پرورش وزیر آموزش پرورش در ۲۹ شهریور گفت ، بعنوان افراد مغرض از محیط آموزش رانده خواهند شد .

افراد مغرض را در مدارس چایی نیست (پرورش ۲۹ شهریور)

در جائی دیگر از بخش "پرورش سیاسی" میخوانیم :

- ۲- پرورش روحیه پذیرش و احترام به قانون اساسی و اطاعت از قوانین جمهوری اسلامی .

طبق عبارت فوق یکی از اساسی ترین وظایف وزارت آموزش و پرورش و مزدوران آن در مدارس اینست که روحیه تسلیم طلبی و سر سپردگی یا "روحیه پذیرش احترام" نسبت به قانون ولایت فقیه (دیکتاتوری شورشی) قبول هرگونه اعمال فاشیستی و اطاعت بی چون و چرایی از هر قانون جنایتکارانه نظیر لایحه قصاص را در مدارس پرورش دهند . مگر نه اینکه معنی لغوی اسلام ، اطاعت و فرمانبرداری محض و تسلیم است .

در هدفهای آموزشی بیشترین و اساسی ترین تاکید بر روی "آموزش دینی و احترام به این امر گردیده و در زمینه فنون و علوم واقعی و آلمینی بسیار ناچیز قائل شده است . مثلا در باره ریاضیات میخوانیم :

ریاضیات بعد نیاز زندگی خواننده شود . براساسی در نظام قدون وسطائی جمهوری اسلامی چه نیازی به ریاضیات است . همین مقدار کافی است که بتوان فعلا "چرتکه انداخت ، حساب دخل و خرج را نگه داشت و تعداد " منافقین و ملحدین" تیرباران شده ی هر روز را جمع کرد .

خصیصی در "تحریرالوسیله" ص ۶۷۵ مینویسد که سازندگان فردای اسلام باید :

دفاع از اسلام و جامعه اسلامی را با هر وسیله ممکن و واجب بدانند .

تحقیقات شورای نظام آموزش و پرورش عمومی ، ستاد انقلاب فرهنگی ، بخاطر تحقق هدف فوق و برای حفظ بیضی اسلام ، میکوشد که جاسوسان ، خبیر چیسمنان و جنایتکاران فردا را پرورش دهد .

اهداف تربیتی ، آموزشی و پرورش رژیم چیزی نیست جز هموار کردن راه برای نیل به اهداف بلند مدت در حیل رشد سرمایه و جباول مردم و تشدید اختلاف و سرکوب هنوز و حشمانه تر . اما براساسی ایده آل آن چیزی نیست که در واقعیت در جریان است و براساسی که صیغه هیچگاه به چگونگی مرگه خود پی نخواهد برد .

درسه "فرزندان این کشور" در چهار دبستانی مدارس اسلامی و "پرورش" اسلامی خلاصه میشود . آنان درسه بزرگتری بنام اجتماع دارند که رژیم از بستن و محدود کردن آن ناتوان است و این درسه دوم درسه واقعی است که آموزگار بزرگ آنهاست . تلاش رژیم در ساختن زندان در کارخانه ، در مزرعه و در مدرسه است . در همه جا پوست خاک ایران ، تلاش مذبحانگه است . در نیست روزی که درهای این زندان بزرگ گشوده شود و با نابودی زندانیانان جنایتکار ، تمام اوهام و برنامه های پوشالی نظیر "برنامه نظام آموزش و پرورش عمومی" و در سطهای زباله مدفون گردند .

و آنان را متوجه تیر و رئیس المراقبین میکند. در حال حاضر، دو دسته جنای دار و بانده سیاه در کرج هم طالب هم صف کشیده اند: فرماندار و نماینده اسام از يك سو و سیاه پاسداران و المراقبین از سوی دیگر.

■ زاهدان سه پاسدار نمدار ۱۲ - ۱۰ نفر زندانی مجاهد را از زندان آزاد کرده و به اتفاق هم گریخته اند. طبق اطلاع مردم شهر رژیم جمهوری اسلامی تا کنون کوچکترین اطلاعی در این مورد منتشر نشده است.

■ بازداشتنهای کهر و دسته جمعی جوانان در اقلب شهرها تکثیر ادامه دارد. مثلا در هفته قبل حدود هشتاد نفر در رضویان و ۳۰ نفر در شهر باهک بدون کوچکترین دلیل و مدرک دستگیر شده اند.

■ در روز گذشته شدن قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی، (شنبه ۱ شهریور) پاسداران رژیم دیوانه وار در خیابانهای اطراف محل حادثه (شریعتی، عباس آباد و تخت طاووس قدیم) در میان مردم گشت میزدند و در جریان بازداشت مردم حتی کسانی را نیز که لبند به لب داشتند به جرم خوشحال بودن از ترور مزبور دستگیر میکردند.

■ از یکی از کشته های شطل شرقی تهران خبر رسید که ۱۲ روحانی بازداشت و پنجم بسته به حوطه کشته برده شده اند. جرم این روحانیان آن بوده که با هم قرار گذاشته بودند تا با اخذ گذرنامه حج برای خود و خانواده هایشان بطور دسته جمعی به سوریه فرار کنند. (رهائشی - موشیا قبل از فرار شدن گشتی میگریزند)

■ رژیم جمهوری اسلامی اکنون دستباست که جهت تظاهرات مراسم تشییع جنازه مراسم نماز جمعه... علاوه بر هنر نمایش دست اندرکاران طوسی تلویزیون که سعی در بزرگنمایی جمعیت حتی از طریق موسسات فیلمها دارند از مناطق مختلف کشور افرادی را امیر و با تقلب هزینه کامل مسافرتشان، و در مواردی با پرداخت پول به شرکت کنندگان میگویند تا حمایت توده های بهشتی بیاید. شرکت در این مراسم نه تنها برای گله آراگانهای انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است، بلکه حتی پرسنل ادارات و کار در نظامی انتظامی نیز با اجبار باین مراسم گسیل میشوند. نمایندگان فراوانی در مورد اجیر کردن افراد توسط رژیم جهت اجتماعات مشابه و از جمله حضور در قبرستان و جشن و زاری بر سر قبور بهشتی، رجائی... موجود دارد. در مراسم تشییع جنازه قدوسی شخصا از نظر آباد کرج، طالقان، دماوند... عده های رابه تهران آورد بودند.

■ نیروی هوایی: خبر های رسیده از نیروی هوایی حاکی است که ۲۰۰ نفر از پاسداران رژیم جمهوری اسلامی برای آموزش خلبانی به پاکستان اعزام شده اند تا تحت نظارت حکومت برادر و اسلامی ضیاء الحق توسط مصلحین امریکائی (شاید هم اسرائیلی) آموزش خلبانی ببینند. این اقدام رژیم موجب اعتراضات شدیدی در بین پرسنل انقلابی نیروی هوایی شده است.

سالها بعد

هر تو یادیا
(شاعر گویاس)

وقتی که میبود
کسی (از این دشمن) میبود
با پنهانی ای انباشت از سرب، که اورا کشت
چه خاطر میبود
چه دنیای آکنده از تلخکای ای که از آن ماست
تا بود میبود؟

دشمنان در پگاه بر میخیزند
تا بپزند.

به جوفی اندام میسازندشان.
گشایشان را ثابت میکنند.

اما، هر چه ادا باد، بزودی میروند
تا بپزند.

به مشرفان براندیشم
و به گریزبانان.

به آنانی که درونی بایند
یا (سرمه ای) میسازند

به قایقها براندیشم
که نه شبان لنگر بر میگرد

تا ابلال از فراری.

به رنج دیدگان من اندیشم،
و به خندان لبان و آنانی که با من میبندند،

با آزاده های استوار
و به تمام آنانی که زاده میشوند
و میروند.

پس ای انقلاب:

ما به چه سبزه پشت نمی کشیم،
مرد آن میروند.

در حالی که سرود های کهنه ات را میخوانند
در فضایی نوات را بری افزاند

و کماکان با ظم نقشه های منویسند:

1) PATRIA O MUERTE

اخبار

سرپل ذهاب

در تاریخ ۵ شهریور پادگان سرپل ذهاب که پشیمان خطه مجببه است بوسیله عراق مورد حمله قرار میگردد. از طرف ارتش دستور تخلیه پادگان که تمام مہیات آن از زمین رفته بود صادر میگردد. سرانجام نیز از طریق محل استقرار پاسداران دست به عقب نشینی میزنند. ولی پاسداران سرانجام را به رگبار بسته و کین از آنان را میکنند. در بین پاسداران و سرانجام درگیری ایجاد و تا ساعت و شب به طول میکشد.

شاهین شهر

رعایت حجاب حتی برای اقلیت‌های مذهبی هم اجباری شده است. چندی قبل اطلاعاتی باین مضمون پخش گردید که در آن بر حجابی مساوی با اسلام قطعا شده بود. اوایل آن حزب الله و پاسداران سرمایه هر کس را که بی حجاب باشد مورد ضرب و شتم قرار داده و دستگیر می‌کنند. البته تعدادی از زنان اقلیت‌های مذهبی در مقابل این مردم قاضی قاطع مقاومت کرده و با جاقو کشان رژیم سرمایه اسلامی درگیر شده اند. این توفیق اجباری شامل حال زنان لیبستانی که در تاونیر شاهین شهر مشغول کار هستند نمیگردد و آنها مجازاند که با حجاب شورت و بلوز در شهر بگردند.

اکثر رنجران تلخین شهر بعلت اعتصاب اغراج شده اند و در حال حاضر رفت و روپ بمقدمی امکانی شهر است.

اخبار متفرقه

۱۵ نفر از افراد شورای پالایشگاه نفت اصفهان دستگیر شده اند و هنوز خبری از آنها در دست نیست.

یک دختر میباید از زندان پاسداران نوشهر فرار کرده است.

در کرمان، دو نفر را اعدام و از یک شهر آوزان کردند.

گفته میشود ابو شریف و تعدادی از دوستانش ایران را ترک کرده اند.

اخبار زیر را از نشریه شهری دموکراتیک شماره های ۲۵۲ (۱۰ و ۲۵ شهریور) نقل میکنیم.

کرج - پس از کشته شدن رئیس المراقبین کرج (دسته جفا داران و بانده سیاه شجونی نظامی کرج) ۵ روز جمعه ۶/۶ فرد عاز حجاب المراقبین بمحل نگار جمعه میاید و در حین امر بر نامه بیست میگردن رفته و به فرماندار و رئیس نظامی اطلاع دستاورداده

تهران

فستی از مرکز استاد و مدارک مجلس پدرمسی ایران و سوئیس در خیابان قسطنطنیه منتقل شده است. این امر بدنیال انتقال بدش راهشانی پدرمسی فوق انجام پذیرفته است.

در درگیریهای روز ۵ شهریور پاسداران سرمایه برای انجام برخی از نقل و انتقالات خود از کولانسی استفاده کردند. در همین روز، دوسه نفر از افراد دستگیر شده در محل و بدین هر گونه محاکمه نکرده باران نمانده اند. همینین در درگیریهای این روز، حداقل سه تن از پاسداران کمیته مرکزی و دو تن از کمیته بیست و یک آور و یک تن از کمیته میدان خراسان کشته شده اند. تعدادی از مردم عادی نیز در تیراندازی پاسداران به قتل رسیده اند.

روز یکشنبه ۲۹ شهریور ساعت ۶/۳ صبح فردی که در خیابان عباس آباد به عکس خیزی که دیوار شرقی سینما شهر فرنگ را میپوشاند کیمه های رنگ پرتاب میکرده است، توسط پاسداران مورد حمله قرار گرفته و کشته شده است.

در اواسط شهریور شخصی از بالای پل سیدخندان یک پارچه ی بلند آوزان کرده و خود بلافاصله محل را ترک کرده است. روی پارچه عکس خیزی در حال اقدام نقاشی شده و روی آن نوشته شده بود: ای طت برای از بین بردن این جلاد به پا خیزید.

کرج

کانون کار و آموزش واقع در عطیمیه کرج تبدیل به زندان شده است. تاکنون چهار زندانی سیاسی از این محل فرار کرده اند. گفته میشود حتی توانشای این محل نیز از زندانی است. ولی ظاهراً برای اینکه مردم از نگهداری زندانیان در آنجا مطلع نشوند، در جلوی آن پاسدار قرار نداده اند.

از تعدادی از زندانیانی که به زندان قزل حصار کرج منتقل شده اند، هر شب مجلسی برای مخارج دریافت میکنند.